

فصلنامه پژوهشنامه نسخه‌شناسی متون نظم و نثر فارسی

سال دوم، شماره سوم، بهار ۱۳۹۶، ص ۲۲-۱

معرفی دست‌نوشته کتابخانه سلطنتی کینهاک^۱

دکتر علی محمد سجادی^۲

استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید بهشتی

دکتر یوسف علی یوسف نژاد^۳

استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فنی اسفراین

چکیده

از دیوان شیخ آذری اسفراینی چند نسخه در کتابخانه‌های سراسر جهان وجود دارد. یکی از قدیمی‌ترین و ارزشمندترین آنها، نسخه موجود در کتابخانه سلطنتی دانمارک است. در این مقاله با توجه به جزئیات نسخه، شیوه نگارش و سایر ویژگی‌های ظاهری و محتوایی، اعتبار نسخه نامبرده بررسی می‌شود. با توجه به نوشته شدن نسخه در زمان زندگی شاعر و دقت کاتب در ضبط کلمات، به نظر می‌رسد این نسخه، معتبرترین متن موجود از دیوان شیخ آذری است و باید در چاپ و تصحیح دیوان او، نسخه اساس قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی

شیخ آذری؛ دیوان شعر؛ نسخه محلی؛ قرن نهم؛ کتابخانه سلطنتی دانمارک

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۲/۱۱

۱ تاریخ وصول: ۱۳۹۵/۹/۱۸

۲ a_sajadi@sbu.ac.ir

۳ azad_azady18@yahoo.com

۱- مقدمه

از هنگام ورود گردشگران اروپایی به شرق، گنجینه بزرگی از این سرزمین به غرب منتقل شد و در مجموعه‌های شخصی و یا کتابخانه‌های دولتی قرار گرفت. مشتاقان دست‌نوشته‌های پارسی نیز از این کار بر کنار نبودند. آنان بسیاری از آثار ادبیات فارسی را به شیوه‌های مختلف به دست آوردند و به کشورهای خود منتقل کردند. نه تنها در کتابخانه‌ها و مراکز علمی بزرگی مانند کتابخانه بادلیان در انگلستان و کتابخانه دانشگاه سوربن و چستربیتی، بلکه در دورترین نقاط اروپا مانند کتابخانه سلطنتی دانمارک نیز نشانی از نسخه‌های خطی فارسی می‌توان یافت. یکی از ارزشمندترین و به بیانی شاید گرانبهاترین دست‌نوشته دیوان شیخ آذری در این کتابخانه نگهداری می‌شود. این اثر، نسخه‌ای منحصر به فرد است که در زمان حیات شاعر نوشته شده و خوشبختانه به بهترین شکل ممکن حفظ شده است.

عکس این دست‌نوشته با لطف و مهربانی آقای راسموسن رئیس کتابخانه سلطنتی دانمارک به دست آمد. خوشبختانه نسخه به‌طور ستودنی عکس‌برداری شده بود و این موضوع کار خواندن و بررسی آن را آسان کرد. در این مقاله ویژگی‌های این دست‌نوشته ارزشمند معرفی می‌شود. البته در آغاز کار، بحثی درباره زندگی و آثار شیخ آذری بیان می‌شود.

۲- زندگی شیخ آذری اسفراینی

شیخ آذری در هیاهوی جنگ و گریزهای سربداران و لشکریان طغایتمور در اسفراین و در حدود سال‌های ۷۸۲ تا ۷۸۴ هجری چشم به جهان گشود. البته مرحوم ذبیح‌الله صفا سال تولد شیخ را ۷۸۴ می‌داند (صفا، ۱۳۷۳: ۳۲۳). سال ۷۸۲ همان سالی است که تیمور به دعوت و درخواست پیشوای سربداران، خواجه مؤیدالدین، به اسفراین لشکر کشید و به قول شرف‌الدین علی یزدی:

دکان و بیوت و مساکن نماند به‌جز نامی از اسفراین نماند

(یزدی، ۱۳۸۸: ۳۶۶)

در این سال حاکم اسفراین، امیرولی از سرداران طغایتمور بود. شیخ در این روزگار پرآشوب دیده به جهان گشود. دولت‌شاه، شیخ آذری را این‌گونه معرفی می‌کند: «شیخ آذری خواجه علی ملک از بزرگان دولت سرداران، که پشت او به معین‌الدین صاحب‌الدعوه احمد بن محمد الزمّجی الهاشمی المروزی می‌رسد که در وقت سربداران در اسفراین صاحب اختیار بود» (دولت‌شاه سمرقندی، ۱۳۸۲: ۳۹۹).

شیخ آذری در ابتدای کتاب *جوهرالاسرار* نام پدر خود را علی ملک نوشته و البته گویا دولت‌شاه به تصحیف، آن را به عبدالملک تبدیل کرده است.

تاریخ فرشته ماه تولد شیخ را آذرماه می‌داند و می‌گوید: شیخ آذری در پاسخ *الغ‌بیگ* میرزا گفته است که چون در ماه آذر زاده شد، خود را آذری نامیده است (هندوشاه، بی‌تا، ج ۱: ۶۲۹). شیخ آذری در پایان بعضی از سروده‌هایش به نام خود اشاره کرده است:

آن علی حمزه است یعنی آذری مداح شاه

کز سخن‌رانی در این شهنامه با رستم یکی است

(یوسف‌نژاد، ۱۳۸۹: ۵۶)

در یک غزل نیز تخلص حمزه را آورده است:

منعم مکن ز مهر نگار خود ای رقیب چون حمزه را ز مهر نگاری گریز نیست

(همان: ۱۱۹)

پدر شیخ آذری به قول دولت‌شاه از بزرگان ناحیه اسفراین و از رجال سربداران بیهق بود. گویا پس از تولد شیخ در اسفراین، سفرهای متعددی به سبزوار و توس داشته و شاید در این شهرها مدتی نیز اقامت کرده است (دولت‌شاه سمرقندی، ۱۳۸۲: ۳۹۸)؛ به همین سبب او در بعضی تذکرها و منابع تاریخی، شیخ آذری بیهقی و توسی نیز نامیده شده است.

قصاید شیخ آذری و تلمیحات بسیار او به اسرائیلیات، اصطلاحات نجوم، هیأت، فقه و سایر علوم متداول زمان خود بیانگر آن است که شاعر جوان بهره کافی از علوم زمان خود داشته است. نویسنده تاریخ فرشته درباره تخلص آذری چنین می‌آورد: «وقتی به اتفاق شیخ صدرالدین زوآسی در مشهد مقدس به دیدار الغیگ میرزا رفت... شاهزاده از شیخ آذری پرسید که آذری چه نوع تخلص شماست؟ شیخ گفت: فقیر در ماه آذری متولد شده؛ بنابراین آذری تخلص کرده است...»^۱ البته در پذیرفتن این علت برای تخلص شیخ آذری می‌توان تأمل کرد؛ ولی سبب دیگری برای انتخاب این تخلص در منابع نیامده است.

شیخ آذری در شعر و شاعری تا به آن مرحله رسید که به گفته مرحوم سعید نفیسی، ملک‌الشعرا دربار شاهرخ تیموری شد.^۲

۱-۲ ورود به وادی عرفان

شیخ آذری در دربار شاهرخ تیموری و نیز زادگاه خود، اسفراین، به شعر و شاعری مشغول بود و به امور دنیوی می‌پرداخت؛ تا آنکه «در اثنای آن حال نسیم فقر ز عالم تحقیق بر ریاضت خاطر عاطر او وزید و آفتاب جهان تاب فقر بر روزن کلبه احزان او پرتویی انداخت... قدم در کوی فقر نهاد و اسم و رسم و سود و زیان به باد فنا بر داد و به صنعت شریف شیخ الشیوخ، قدوه العارفین شیخ محی‌الدین الطوسی الغزالی رسید... و بعد از رحلت مراد، شیخ رو به سید نعمه‌الله نمود و مدتی در خدمت سید به سلوک مشغول بود و از آن حضرت اجازت و خرقه تبرک دارد و به سیر و سلوک مشغول گشت» (همان: ۴۴۹).

این اتفاق و آگاه شدن آذری و سلوک در حلقه صوفیان، باید در میان‌سال‌های شاعر و در حدود ۴۰ سالگی او رخ داده باشد.

شیخ آذری همراه با محی‌الدین، استاد خود، به سفر حج رفت. شیخ محی‌الدین هنگام بازگشت از سفر حج و در شهر حلب درگذشت و شیخ آذری در مدت اقامت در این شهر، کتاب *مفتاح الاسرار* خود را نوشت. شیخ در این زمان و در حدود سال ۸۳۰ هجری قمری

در حلقهٔ مریدان شاه نعمت‌الله ولی قرار گرفت. شیخ در محضر شاه نعمت‌الله ولی ریاضت‌ها کشید و در طریقت تا آنجا پیش رفت که از دست شاه نعمت‌الله ولی اجازه و خرقهٔ تبرک گرفت (نفیسی، ۱۳۴۴: ۲۹۴). شیخ به همراه شاه نعمت‌الله ولی نیز به سفر حج رفت؛ معروف است که در مدت اقامت و در مجاورت خانهٔ خدا کتاب *سعی الصفا* را نگاشت.

۲-۲ سفر به هند

بر پایهٔ سخن دولتشاه، آذری بعد از طی مراحل سلوک و پس از دومین زیارت کعبه و اقامت در مکه، در بازگشت از آن دیار به هندوستان رفت (صفا، ۱۳۷۳: ۳۲۵). تاریخ این سفر باید در سال‌های ۸۳۲ تا ۸۳۴ هجری قمری باشد.

شیخ در هند به حضور احمدشاه بهمنی (سلطنت ۸۲۵ تا ۸۳۸) از سلطان‌های بهمنی دکن رسید. این پادشاه از دوستداران مشایخ و شیفتهٔ آشفته‌گان راه حق بود. شیخ آذری در ملازمت این پادشاه قرار گرفت و مقام ملک‌الشعرایی دربار او را به دست آورد. شیخ آذری در این زمان، سرودن *بهمن‌نامه* را آغاز کرد. چون کار به داستان زندگی احمدشاه دکنی رسید، کتاب را به شاه تقدیم کرد و اجازهٔ بازگشت به وطن خواست؛ اما شاه این تقاضای او را نپذیرفت و شاعر ناگزیر مدتی دیگر در دربار پادشاه ماند؛ اما سرانجام طی ماجرای، اجازهٔ کوچ از هندوستان را گرفت که شرح ماجرا در *تاریخ فرشته* آمده است (هندوشاه، بی‌تا: ۳۲۰). شیخ آذری با دیوانی از قصاید و غزل و کوله‌باری از ادب و دانش و معرفت، از دیار هندوستان به زادگاه خود رو آورد. گویا بازگشت شیخ آذری در سال ۸۳۶ هجری قمری بوده است (همان: ۳۲۵).

حضور شیخ در دربار پادشاهان دکنی ۴ تا ۶ سال طول کشید. البته ارتباط شیخ آذری با دربار سلطان احمدشاه و پسر او شاهزاده علاءالدین (که بازگشت از هند به پایمردی او انجام شده بود) هرگز گسسته نشد. شیخ با توجه به عهده‌ای که با احمدشاه بسته بود، نظم *بهمن‌نامه* را در خراسان ادامه داد و هر سال سروده‌های خود را به دکن می‌فرستاد.

۳-۲ گوشه‌نشینی در وطن

شیخ پس از بازگشت به وطن «پای قناعت در دامن همت کشید و از سیاحت عالم ملک به تماشای عالم ملکوت، سر به جیب تفکر فرو برد و سی سال بر سجاده طاعت نشست» (دولت‌شاه سمرقندی، ۱۳۸۲: ۴۵). اوضاع نابسامان خراسان بعد از شاه‌رخ از عوامل اصلی گوشه‌گیری و انزوای شیخ آذری بوده است. بعد از مرگ شاه‌رخ در سال ۸۵۰، الغیبیک به حکومت رسید؛ اما دوران حکومت این همبازی در دوران نوجوانی شیخ آذری نیز دیری نپایید و او در سال ۸۵۳ کشته شد. پس از آن تا چند سال هرج و مرج عجیبی در قلمرو تیموریان حکم‌فرما شد. شیخ آذری در این زمان عارفی واصل و شاعری مشهور بود. او در زادگاه خود خانقاهی بنا کرد و عمری را در عزلت و عبادت و ریاضت به سر برد. قطعه زیر از شیخ آذری به‌خوبی اوضاع ناهنجار این دوران را به تصویر می‌کشد:

گفتی از بهر جماعت چون نمی‌آیی برون

نوبت وحدت شد و جمعیت اندر خانه است

اسفراین هست پر آشوب و چون آیم برون؟

خاصه این موسم که خود همچون سگ دیوانه است

(یوسف‌نژاد، ۱۳۸۹: ۲۴۷)

شیخ تا پایان عمر در زادگاه خود به نظم اشعار و سرودن قصاید و غزلیات مشغول بود.

۴-۲ وفات و آرامگاه

شیخ آذری پس از نزدیک به ۸۲ سال زندگی، در سال ۸۶۶ در اسفراین درگذشت. مریدانش پیکر او را در آرامگاهی به خاک سپردند که او خود در زمان حیات ساخته بود. مزار شیخ در شمال شرقی شهر کهن اسفراین قرار داشت. شیخ آذری از اموال خود موقوفاتی نیز برای خانقاه محل دفن خود تعیین کرده بود؛ به همین سبب این مکان، آباد و تا مدت‌ها زیارتگاه صاحب‌دلان و عارفان بود؛ اما سرزمین رنج‌کشیده خراسان هیچ‌گاه روی

آرامش به خود ندید و اسفراین نیز از این موضوع بر کنار نبود. شهر اسفراین در حمله ازبک‌ها در قرن یازدهم به‌تمامی از بین رفت و باقیمانده مردم نیز به قسمت‌های شمالی شهر و اطراف چشمه‌سارهای کوهستانی کوچ کردند. در نتیجه آرامگاه شیخ نیز به ویرانی رو نهاد. بقایای این مزار اکنون در جنوب شرقی شهر فعلی در میان مزارع دیده می‌شود. گویا دوران انزوای شیخ آذری هرگز تمامی ندارد.

۳- آثار شیخ آذری

شیخ آذری از شاعران و نویسندگان پرکار قرن نهم است. آنچه از آثار منظوم و مثنوی شیخ در دسترس است و یا ذکر آنها در منابع آمده، به شرح زیر است:

(۱) *بهمن‌نامه*: این مثنوی را شیخ به درخواست سلطان احمدشاه بهمنی، در احوال و آثار این سلسله سرود. سلسله بهمنی هند که از سال ۷۸۴ بر روی کار آمد، مدتی طولانی بر قسمت‌هایی از هند حکمرانی داشت. این مثنوی در وزن مقارب به تقلید از *شاهنامه* حکیم توس و *اسکندرنامه* نظامی سروده شده و شیخ در سرایش این اثر، تحت تأثیر مستقیم آنها بوده است. نظم این مثنوی هنگامی آغاز شد که شیخ در هند و در دربار حکمرانان بهمنی بود. البته سرودن آن پس از بازگشت از هند نیز ادامه یافت و شیخ قسمت‌های سروده‌شده را برای پادشاهان بهمنی می‌فرستاد. گویا این مثنوی تا داستان همایون شاه بهمنی سروده شده است.^۳

(۲) *عجایب‌الغرایب*: شیخ آذری اثر گسترده‌ای به نظم و در قالب مثنوی به نام *مرآت* داشته است؛ این کتاب دربردارنده چهار بخش بود: (۱) *الطامه‌الکبری*؛ (۲) *عجایب‌الدنیا*؛ (۳) *عجایب‌العلی*؛ (۴) *سعی‌الصفاء*. گویا شیخ این مثنوی‌ها را در زمان‌های متفاوتی سروده و بعدها در قالب یک اثر جمع‌آوری کرده است؛ از مثنوی *الطامه‌الکبری* اثری در دست نیست؛ اما مثنوی *عجایب‌الدنیا* (به نام‌های *عجایب‌العلی* یا *عجایب‌الغرایب* هم مشهور شده است) بخش‌های دوم و سوم کتاب *مرآت* است که اکنون در دست است. این منظومه در بحر

خفیف (فاعلاتن مفاعلن فع لن) سروده شده و در ذکر عجایب شهرها و سرزمین‌ها و کوه‌ها و چشمه‌ها و بناها و حیوانات است.

(۳) *سعی‌الصفاء*: این کتاب بنا بر قول مشهور، بخشی از مثنوی *مرآت* شیخ آذری است و حاصل سفر حج شاعر است. او آن را در مدت یک‌سال سرود که در مجاورت خانه خدا به سر می‌برد. گویا این منظومه درباره تاریخ کعبه و آداب زیارت است. از این مثنوی نیز متأسفانه تاکنون نشانی به دست نیامده است.

(۴) *مفتاح‌الاسرار*: در حدود سال ۸۳۰ هجری قمری، هنگامی که شیخ آذری همراه با مرشد و پیر خود، شیخ محی‌الدین توسی غزالی به حج رفت، در برگشت و هنگام اقامت در شهر حلب، این کتاب را نوشت. عکسی از تک‌نسخه این کتاب در کتابخانه دانشگاه تهران موجود است؛ ولی هنوز تصحیح و چاپ نشده است.

(۵) *جواهرالاسرار*: این کتاب، مشهورترین اثر موجود از شیخ آذری به نثر است. این اثر در حدود سال ۸۴۰ در اسفراین نوشته شده است (صفا، ۱۳۶۹، ج ۴: ۳۲۵). شیخ در مقدمه کتاب می‌گوید: «چون این دستور، صورت انتخاب *مفتاح‌الاسرار* بود، او را *جواهرالاسرار* نام نهاد و چون در اصول معرفت او ترتیبی که موجب تغییر اصل وضع کتاب باشد نرفت، خطبه کتاب نیز تغییر داده نشد».

(۶) *طغرای همایون*: درباره این اثر شیخ به‌جز نامی در تذکره‌ها چیزی ندیده نشد.

(۷) *دیوان‌اشعار*: دیوان شیخ آذری در روزگار خود شهرتی فراگیر داشت. این اثر نزدیک به ۵۰۰۰ بیت دارد. از این دیوان، شش نسخه خطی شناخته شده است. با توجه به شهرت آن به نظر می‌رسد نسخه‌های دیگری از دیوان او در کتابخانه‌های اطراف جهان موجود باشد که تاکنون شناخته نشده است. در مجموع این ۶ نسخه، ۳۲ قصیده و نزدیک به ۵۰۰ غزل و بیش از ۱۵۰ رباعی و قطعه و تکبیت دارد. یکبار کتابخانه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، دیوان شیخ آذری را با تصحیح دکتر کیانی و ابراهیم رستاخیز چاپ کرد و دیگر بار به تصحیح استاد احمد شاهد در اسفراین منتشر شد.

۴- نسخه‌های خطی موجود از دیوان شیخ آذری

در فهرست نسخه‌های خطی استاد منزوی، هفت ردیف از شماره‌های ۲۱۲۷۰ تا ۲۱۲۷۶ به نام دیوان شیخ آذری آمده است (منزوی، ۱۳۸۲: ذیل آذری):

(۱) ذیل شماره ۲۱۲۷۰ آمده است: «کپنهاک، سلطنتی، نستعلیق، درویش شیرازی ۸۶۳ [نسخه‌های: ۶۹۹]»؛

(۲) ۲۱۲۷۱ «پاریس P ۳۹۴ سروده‌هایی از او در جنگ نوشته فرشته ۹۰۲ فیلم آن در دانشگاه سن ۱۳۳ [فیلم‌ها: ۵۹۳]»؛

(۳) ۲۲۲۷۲ نسخه کتابخانه ملک، شماره ۵۹۳۸، دیوان کامل ۱۰۷۳؛

(۴) ۲۱۲۷۳ نسخه کتابخانه ملک، نستعلیق سده ۱۱، (ص ۴۵-۱-۵۰۱ در هامش) همراه ۲۹ دیوان دیگر و چهارده سرلوح ۳۱ آغاز افتاده؛

(۵) ۲۱۲۷۴ «بادلیان ۴۷ الیوت، نستعلیق ۲۵ رمضان ۱۰۲۰ ۱۹۵ گ ۱۵ س فیلم آن در دانشگاه ش ۸۷۸ هست [فیلمها: ۸۸]». گویا استاد منزوی این نسخه را خود ندیده است. میکروفیلمی که در ذیل این شماره در دانشگاه تهران موجود است، متعلق به مثنوی عجایب‌الغرایب شیخ آذری است و شعری از دیوان در این نسخه نیامده است؛

(۶) ۲۱۲۷۵ «بنگاله، ایشیاتک ۱ دیوان (۷۱۰) نستعلیق ۱۰۲۶ [ف- بنگال ۱۰۳]»؛

(۷) ۲۱۲۷۶ «موزه بریتانیا udd ۲۵۸۲۱ نستعلیق ۱۲۰۱ در بنگاله ۷۱ ک ۱۹ س فیلم آن در دانشگاه ش ۲۸۹ است [فیلمها: ۸۷۰]». البته این نسخه نیز دیوان آصفی است نه آذری.

اگر دو سهو پیش آمده درباره دیوان آصفی و مثنوی عجایب‌الغرایب کنار گذاشته شود، در فهرست استاد منزوی پنج دست‌نوشته از دیوان شیخ آذری آمده که نخستین و به عبارتی مهم‌ترین آنها نسخه کتابخانه سلطنتی دانمارک است.

در کتاب *فهرستگان نسخه‌های خطی ایران* (فنخا) نیز چند عنوان به دست‌نوشته‌های

موجود از دیوان شیخ آذری اختصاص دارد که در ادامه بیان می‌شود:

۱) دیوان آذری: قصاید زیبایی در مدح پیامبر اسلام و حضرت علی ابن ابی طالب و امام علی بن موسی الرضا و حدود ۹۳ بیت است... در الذریعه و فرهنگ سخنوران، از آذری بروجردی، آذری طوسی و جلال‌الدین آذری یاد شده است؛ نسخه حاضر مشخص نشد که از کدام یک از آنها یا سراینده دیگر است (درایتی، ۱۳۹۰: ۹۰۹).

مطلع ۳ قصیده‌ای که ذکر شده از مهم‌ترین قصیده‌های شیخ آذری است که در دیوان او موجود است. بی تردید هر سه قصیده از شیخ آذری اسفراینی (طوسی) است. در فهرست نامبرده مشخص نشده است که این نسخه در کجا نگهداری می‌شود.

۲) قم - مرعشی شماره نسخه ۱۳۴۹۹/۲۳... خط شکسته نستعلیق کا: محمد معین بن عبدالرزاق کاشانی، تا: نیمه نخست قرن ۱۳... (همان: ۹۰۹). برپایه این مشخصات نسخه نامبرده بسیار جدید و متعلق به سده اخیر است که البته در تصحیح دیوان شیخ آذری از آن نیز می‌توان سود برد.

در این فهرست، دیوان تصحیح شده دکتر محسن کیانی و عباس رستاخیز در عنوان بعدی آمده است و سپس دو نسخه موجود در کتابخانه ملک و عکسی از نسخه بادلیان، موجود در کتابخانه دانشگاه تهران، آمده است.

۳) نسخه از ترجیح‌بند شیخ آذری با مطلع «عشق بابست یا اولوالالباب فافتحوا من مفاتح الابواب» نیز در کتابخانه مجلس به شماره ۱۳۶۱۹/۸ نگهداری می‌شود (همان: ۹۱۰).

۴) بنابر فهرست یادشده، نسخه‌ای هم در کتابخانه آستان قدس رضوی در مشهد موجود است که مشتمل بر ۱۱۴ غزل است؛ این نسخه متعلق به قرن دوازده هجری، به خط نستعلیق و کاتب آن حسین بن میرزا قاسم است (همان: ۹۱۰).

باتوجه به این فهرست و دست‌نوشته‌های معرفی شده در آن، همچنان قدیمی‌ترین نسخه موجود از دیوان شیخ آذری همان نسخه کتابخانه سلطنتی دانمارک است که در ادامه بررسی می‌شود.

۵- نسخه کتابخانه سلطنتی دانمارک

این نسخه به استناد ترقیمه آن در سال ۸۶۳ نوشته شده است. میکروفیلم نسخه، ۹۳ برگ دارد و کاتب خود را درویش خواجه حافظ شیرازی نامیده است. نسخه به خط نستعلیق نه‌چندان خوش، ولی خوانا و دقیق نوشته شده است. گویا در نظر کاتب، جمع‌آوری و نوشتن شعر مهم‌تر از ارزش هنری و زیبایی خط بوده است و به همین سبب نسبت به سایر نسخه‌ها، غلط‌های کمتری دارد.

استاد نجیب مایل هروی معتقد است این نسخه خانقاهی بوده و یکی از مریدان و علاقه‌مندان شیخ آن را نوشته است و به همین سبب نوشتن و صفحه‌آرایی آن بسیار ساده است و خط آن نیز چندان خوش و پخته نیست.^۴

در این نسخه ۲۴۷۷ بیت نوشته شده است که نسبت به سایر نسخه‌ها، ابیات کمتری دارد. نسخه دارای رکاب‌های^۵ منظمی است؛ اما در دو صفحه، رکاب‌ها با صفحه هماهنگ نیست و نشانی از افتادگی دارد. با بررسی جزئی غزل‌ها و ترتیب الفبایی آنها می‌توان گفت حدود ۱۰ صفحه از نسخه افتاده است. صفحه‌آرایی نسخه بسیار ساده است و غلط‌های املائی کم و در حکم هیچ است و این، امتیازی برای نسخه به شمار می‌رود.

۱-۵ توصیف نسخه

در عکس به دست آمده از کتابخانه سلطنتی دانمارک، از ویژگی‌های ظاهری نسخه حرفی به میان نیامده است؛ تنها نکات در دسترس همان است که استاد منزوی آورده است. بقیه اطلاعات از ظاهر نسخه برپایه بررسی عکس نسخه است که همان‌طور که بیان شد با کیفیتی خوب به نگارنده رسید.

۲-۵ ویژگی‌های ظاهری نسخه

بنابر آنچه در عکس مشخص است، جلد، چرمی با ترنجی در وسط است. داخل ترنج کار شده است و ساده نیست. جلد حاشیه دارد و همراه با جدولی زیباست که چهارگوشه

جدول با ۴ نیم‌تاج تزیین شده است. ترنج وسط بیضی شکل، با دو نیم ترنج در بالا و پایین است. در چهار گوشه جلد، ۴ لچکی دیده می‌شود. از مجموع نشانه‌های جلد چنین برداشت می‌شود که آن به جلدهای رسمی دوران تیموری بازمی‌گردد.

«جلد رسمی شامل جلدهایی است که همه سطح آنها از نقوش پوشیده نشده؛ بلکه در تزیین آنها معمولاً یک شمسه یا ترنج در میانه جلد و همچنین زنجیره‌ای در حاشیه ترسیم شده است» (صفری، ۱۳۹۰: ۱۷۳). جلد دست‌نوشته کمابیش سالم مانده و جز دو لبه خارجی آن که اندکی افتادگی دارند، مشکل ویژه‌ای ندارد. جلد چرمی همراه با مقواست. جنس چرم، ساغری است و برجستگی‌های این نوع چرم بر روی عکس کاملاً مشخص است.

۳-۵ آستر و بدرقه

آستر و بدرقه از اصطلاحات نسخه‌برداری است. روی جلد را ابره می‌گویند. صفحه پشت آن که داخل جلد است، آستر نامیده می‌شود. صفحه مقابل آن که معمولاً سفید است و بعد از آن نوشتن نسخه آغاز می‌شود، بدرقه نامیده می‌شود.

این نسخه، آستر و بدرقه دارد و به نظر می‌رسد قسمتی از آن ترمیم شده است؛ زیرا جنس کاغذ آستر با قسمتی از بدرقه متفاوت است. در آستر با خط لاتین عبارتی ناخوانا دیده می‌شود که میان آن عدد ۸۶۳ خوانده می‌شود؛ گویا این عدد به سال نوشتن نسخه اشاره دارد. در صفحه مقابل آن و در بدرقه نسخه، در بالای آن این عبارت با خطی نزدیک به خط نسخه اینچنین نوشته شده است: «دیوان آذری به خط خواجه حافظ». در این صفحه بیتی عربی هم دیده می‌شود که ناخواناست و بیتی فارسی نیز دیده می‌شود:

نوبهار آمد و دل‌ها همه چون غنچه شکفت ... بر آن کس که غمی دارد و نتواند گفت

کاغذ بدرقه با آستر تفاوت رنگ دارد؛ رنگ قسمتی از آن بر اثر نم تغییر کرده است. به نظر می‌رسد این صفحه در ترمیم نسخه برای آستر نسخه اضافه شده و محلی برای نوشتن بیت و یادداشت و غیره شده است. آستر اصلی نسخه از صفحه بعد است که با کاغذ

ابر و باد تهیه شده و بسیار زیبا و چشم‌نواز است. این نوع آستر در اصطلاح آستر ابری نامیده می‌شود. در واقع «یکی از شیوه‌های رایج برای تهیه آستر جلدها استفاده از کاغذ «ابری» (ابر و باد) است. استفاده از کاغذ ابری در آستر جلدها پس از رواج تولید این کاغذ در سال‌های پایانی سده نهم و اوایل سده دهم هجری آغاز شد» (صفری، ۱۳۹۰: ۱۶۶). این کاغذهای رنگی نقش مهمی در تزیین نسخه‌های فارسی تا همین اواخر داشته است. «یکی از مهم‌ترین و رایج‌ترین موارد استفاده کاغذ ابری کاربرد آن در آستر نسخه است» (همان: ۲۴۲).

در آستر این صفحه که می‌توان گفت آستر اصلی نسخه است، عبارت «دیوان املح الشعرا مولانا آذری رحمه اله علیه رحمه واسعه» با خط نسخ پخته‌ای نوشته شده است. در زیر این عبارت، فهرست‌گونه‌ای برای نسخه ترتیب داده شده است که شامل غزلیات، قصاید، مقتل الحسین [ترکیب‌بند] مربع و قطعات است. عبارتی نیز در کنار فهرست آمده که چون تراشیده شده، ناخواناست.

کاغذ ابر و باد به کار رفته در بدرقه این صفحه بسیار زیباست؛ بدرقه با رنگ شنگرف بسیار خوش‌رنگ و زرد و آبی مخلوط در آن با طرح بال پرندگان و موجه‌ای بسیار زیبا و چشم‌نواز است.

۵-۴ جدول‌کشی و تزیین‌های صفحات متن

جدول عبارت است از خط‌هایی که گرداگرد نوشته‌های یک نسخه ترسیم می‌شده است. در جایگاه یک اصل عمومی درباره تاریخچه ترسیم جدول در نسخه‌های خطی اسلامی می‌توان گفت تا حدود سده ششم هجری به‌جز مصحف‌ها، کمترین دست‌نویسی را می‌توان یافت که در برگه‌های جدول ترسیم شده باشد. البته بعدها، به‌ویژه پس از دوره تیموری، جدول‌کشی رواج بسیار یافت (صفری، ۱۳۹۰: ۲۴۹).

این نسخه با جدول‌کشی دو خطی تزیین شده است. شعرها در دو ستون آمده و با این جدول از هم جدا شده‌اند. جدول صفحه اول، سیاه‌رنگ و صفحه‌های دیگر شنگرف است.

«ترسیم جدول دو خطی سرخرنگ از حدود سده ششم هجری در نسخه‌ها رواج یافته است» (همان: ۲۵۰).

جدول‌کشی دو صفحه اول به شیوه دوره تیموری است و بدون کتابه و سرلوح است. کمابیش می‌توان گفت به جز همین جدول‌بندی و خط‌کشی هیچ‌گونه کوششی برای کتاب‌آرایی نسخه انجام نشده است. در آغاز صفحه اول و با خط‌کشی ساده، کتیبه‌ای به وجود آمده که نانوشته باقی مانده است و شاید برای نوشتن عبارت بسمله بوده است.

۵-۵ خط

همان‌طور که گفته شد، نسخه با خط نستعلیق نوشته شده است. این اثر در دوره کمال خط نستعلیق نوشته شده است؛ اما ویژگی‌های دوره کهن که شامل شکلی ناقص و بدون بافت و کرسی صحیح است، در آن دیده می‌شود. گفتنی است «در نسخه‌شناسی نسخه‌های خطی که با خط نستعلیق کتابت شده‌اند فهرست‌نگاران همانند خط نسخ، قید «دوره کهن» (از نخستین سال‌های قرن هشتم تا اواخر قرن که خط نامبرده در شکلی ناقص و نازیبا، بدون بافت و کرسی صحیح نوشته می‌شده است) و «دوره جدید» (بعد از بیان قواعد خط نستعلیق توسط میرعلی تبریزی در اواخر قرن هشتم هجری) را متذکر می‌شود» (راه‌گیری، به نقل از عظیمی، ۱۳۸۹: ۳۱).

به نظر می‌رسد کاتب بیشتر به درست‌نویسی پرداخته است و به قواعد خط نستعلیق که در دوره او به کمال خود نزدیک شده بود و به‌طورکلی به زیبایی خط توجهی ندارد.

حروف فارسی گ-چ-پ-ژ را به صورت ک-ج-ب-ز می‌نویسد.

۶-۵ متن نسخه

در هر صفحه از نسخه بین ۱۴ تا ۱۵ بیت نوشته شده است. معمولاً در قصاید طولانی بعد از هر ۲۰ بیت شیوه روبه‌رونویسی مصرع‌ها را تغییر می‌دهد و دو مصرع را زیر هم

می‌نویسد؛ با این کار تنوعی در نوشتن و جدول‌کشی صفحه به وجود می‌آورد؛ این بیت متفاوت هم در جدولی ویژه قرار می‌گیرد. البته در غزل‌ها این کار در پایان هر غزل انجام می‌شود و هر غزل با جدولی از غزل دیگر جدا می‌شود.

قصیده دوم را با عنوان نوشته است؛ در سرآغاز آن عبارت «در توحید باری عز اسمه» را با رنگ شنگرف آورده است.

قصیده سوم را با عبارت «وله روح روحه» و با همان رنگ شنگرف عنوان آغاز می‌کند. سایر قصاید فقط با عبارت «و له» و گاه «و له زاد فیضه» از یکدیگر جدا می‌شوند.

بعد از قصاید، شعری در قالب مربع آمده است و بعد از آن غزلیات است که بخش اصلی و مهم نسخه به شمار می‌رود. قبل از غزلیات قطعه‌ای با مطلع زیر آمده است:

منت نرسد در دو جهان هیچ کسی را المنه لله تبارک و تعالی
در ملک خداوند که را قدرت یاراست القدرت لله تبارک و تعالی
(آذری اسفراینی، نسخه دانمارک: ط ۳۶)

این قطعه ۱۰ بیتی با همین شیوه نه‌چندان محکم ادامه می‌یابد؛ سپس غزل‌ها به ترتیب حروف الفبایی قافیه‌ها نوشته شده است.

کاتب، هر غزل را در جدولی جداگانه نوشته است. گاهی نیز دو بیت آخر را زیر هم می‌نویسد و در اصطلاح جدول آن غزل بسته می‌شود.

گاهی کلماتی را در حاشیه نسخه نوشته است؛ مانند کلمه «عشق» در صفحه ۴۰b نسخه که گویا برای کاتب، نشانه‌ای از واژه‌ای جاافتاده بوده است.

در صفحه ۵۵b غزلی با مطلع زیر آمده است:

آنکه می‌خوانیم از آب زندگانی خوشترش گر بریزد خون ما بادا چو شیر مادرش
(همان: ۵۵b)

و سپس در چند غزل بعد در صفحه ۵۶b چنین آورده است:

آنکه آمد آیتی گویا ز رحمت صورتش گر بریزد خون ما باد چو شیر مادرش
(همان: ۵۶b)

آشکار است کاتب در اصطلاح، اشتباه چشمی کرده است. این بیت با استفاده از نسخه ملک الف (در آغاز مقاله به آن اشاره شده است) اینچنین تصحیح شد:

آنکه آمد آیتی گویا ز رحمت صورتش بر چه صورت بست آیا نقشبند قدرتش
(یوسف‌نژاد، ۱۳۸۹: ۸۱)

غزل‌ها تا قافیه «یا» ادامه می‌یابد و پس از آن بلافاصله ترکیب‌بند مشهور شیخ آذری بیان می‌شود که در عنوان آن عبارت «مقتل‌نامه حسین» آمده است.

این ترکیب‌بند و یا به قول کاتب مقتل‌نامه در زمان حیات شاعر و پس از او شهرتی بسیار داشته است و سرآغازی بر بسیاری از ترکیب‌بندهای عاشورایی در ادب فارسی و به‌ویژه ترکیب‌بند معروف کلیم کاشانی است:

ای دل حیات ماه محرم حرام شد آری حساب عمر در این مه تمام شد
باز از فراق آل نبی آب چشم ما چون خاک کربلا ز بلا تیره فام شد
(همان، ۱۳۹۴: ۱۰۰)

تأثیرپذیری کلیم کاشانی از مقتل‌نامه شیخ آذری کاملاً آشکار است و نگارنده این تأثیر را در مقاله‌ای بررسی کرده است.^۷

بعد از ترکیب‌بند، قطعات شاعر با عبارت شنگرفی «و له فی المقطعات» آمده است؛ عدد ۳۷ در مقابل عنوان آمده و گویا به فهرست‌بندی آغاز نسخه اشاره دارد که پیشتر بیان شد. ۳۴ قطعه در این دست‌نوشته آمده است.

کاتب در ضبط قطعات گاهی دچار مشکل شده است. چند قطعه، واژه‌های محلی و عامیانه دارد که کاتب معنای آنها را در نیافته و یا غلط نوشته است و یا به‌طور کلی از نوشتن آن گذشته و جای آن را خالی گذاشته است:

ای مردک تخت‌شانه لاک‌شکم وی حمله‌گر سخت‌سر سست‌قدم
... یک‌یک بشمار خود را به من آر ...
(آذری اسفراینی، نسخه دانمارک: ۸۴b)

بعد از قطعه‌ها، رباعیات آمده است و با عبارت «و له فی الرباعیات»، ۱۴ رباعی در نسخه نوشته شده که بسیار کمتر از نسخه ملک است. البته در نسخه ملک، رباعیات الحاقی بسیاری (حتی رباعیات مشهور خیام) به نام شیخ نوشته شده است که بیانگر بی‌دقتی کاتب آن نسخه است.

قسمت پایانی نسخه دربرگیرنده تکبیت‌هاست که با عنوان «و له فرد» آمده است و ۱۰ بیت را شامل می‌شود.

۷-۵ ترقیمه و صفحه پایانی نسخه

کاتب، ترقیمه نسخه را ساده آورده است. در پایان جدول سنگرفی برای آخرین تکبیت، دو خط متقاطع به سمت پایین کشیده و در داخل یکی، این مثلث عبارت ترقیمه را آورده است: «کتبه الفقیر الحقیر المحتاج الی رحمت الله تعالی درویش حافظ شیرازی فی تاریخ سنه ثلاث و تسین و ثمانمائه».

خط ترقیمه با خط نسخه هماهنگ است و دور از گمان است که ساختگی باشد. به استناد این ترقیمه، قدیم‌ترین نسخه موجود از دیوان شاعر، همین نسخه است که در زمان حیات شاعر و در واپسین سال‌های زندگی او نوشته شده است.

از درویش حافظ شیرازی اطلاعاتی به دست نیامد؛ اما درویش، عنوان عامی برای خطاطان در سده‌های هشتم به بعد بوده است. نام چند درویش کاتب در تاریخ مشهور است: درویش عبدالمجید کاتب دیوان حافظ و درویش حسن حافظ تبریزی و

صفحه بعد از ترقیمه، آستر و بدرقه پشت صفحه است. در دو صفحه بدرقه، مهر کتابخانه سلطنتی دانمارک زده شده که با الفبای لاتین و زبان دانمارکی چنین نوشته شده است:

«DET KONGELIGE BIBLIOTEK
ORIEN TOLSK
SAMLING»

(کتابخانه سلطنتی، بخش مطالعات شرقی و سامی)

در محل برخورد آستر و بدرقه این صفحه، برگه‌ای چسبانده شده و عبارت «CODPRES GXVII» بر روی آن خوانده می‌شود که شماره ثبت نسخه در کتابخانه نامبرده است.

در صفحه آستر، دو قطعه هم آمده است:

ز فعل خویشتن دارد پریشان	«پریشان باد کو خاطری را
پدید آرد قضا در هر پریشان	اگر بازی ز صیدی بر کند پر
هزاران لعنت ایزد بریشان»	گروهی را که ایذا گشته عادت

(همان: ۹۱)

«و له

عمری که در غرور گذاری هبا بود	افعال را بنا نبود دل برو منه
اقبال را که قلب کنی لابقا بود»	گر نیست باوری ز من اینک تو خود بین

(همان)

در بالای شعر، عنوان «و له ابن علی» آمده است. آیا این می‌تواند به شکل دیگری از نام شاعر (علی حمزه) اشاره داشته باشد؟ در نسخه‌های دیگر این دو قطعه نیامده است و ممکن است کاتب دیرتر آن را در ضمن شعرهای شیخ دیده و اینجا آورده است. گمان دیگر هم آنکه این شعر از فرد دیگری است و کاتب آن را در بدرقه جلد نوشته است. به‌رحال تا پیداشدن اصل شاعر این دو قطعه، باید با احتیاط، از آوردن آنها در میان شعرهای شیخ آذری پرهیز کرد.

جلد پشت نسخه به جلد ابتدا شباهت کامل دارد و با همان جدول و سرترنج کار شده است؛ فقط بر اثر گذشت زمان این قسمت جلد بیشتر آسیب دیده و طرح‌ها محو شده‌اند.

۶- نتیجه‌گیری

چاپ و تصحیح متون در سال‌های اخیر کاری به‌ظاهر ساده است. در نتیجه شمار بسیاری از پژوهشگران به این کار دست یازیده و دیوان‌های شعری و متون بسیاری را چاپ کرده‌اند؛ متأسفانه در بسیاری از آنها کمترین شرایط تصحیح رعایت نشده است. همین اتفاق برای دیوان شیخ آذری اسفراینی رخ داد. در سال ۱۳۹۰ چاپی از این دیوان در کتابخانه مجلس شورای اسلامی (بدون آنکه تصحیح‌کنندگان محترم با جستجو در کتابخانه‌ها و فهرست‌ها، قدیمی‌ترین و بهترین نسخه‌های موجود را فراهم کنند) به چاپ رسید. نتیجه کار، چاپی غلط‌دار و آشفته و زحمتی بی‌فایده است؛ در نتیجه این اثر نیازمند تصحیح دوباره است.

همان‌طور که در متن مقاله بیان شد، بررسی ظاهری و ساختاری این دست‌نوشته (دست‌نوشته کتابخانه سلطنتی کپنهاک) تمایز آن را از سایر دست‌نوشته‌های شیخ آذری نمایان می‌کند. درستی در ضبط واژه‌ها، خط خوانا، نظم و ترتیب ضبط شعرها و از همه مهم‌تر قدمت نسخه، آن را به ارزشمندترین دست‌نوشته دیوان شیخ آذری تبدیل کرده است. تنها خرده‌ای که بر آن می‌توان گرفت، چند صفحه افتادگی است که متأسفانه سایر دست‌نوشته‌های شیخ آذری هم این خرده را دارند. با وجود این و با توجه به امتیازهای بیان‌شده، آن را در تصحیح دیوان شیخ آذری می‌توان نسخه‌اساس دانست. به همین سبب ضرورت چاپ جدیدی از دیوان شیخ برپایه این نسخه و زدودن اشتباهات و الحاقات دیوان چاپ‌شده احساس می‌شود.

پی‌نوشت‌ها

۱- البته شیخ بار نخست در سن نوجوانی و در سال ۸۰۰ هجری، در نزد خالوی خود (قصه‌خوان

- امیر تیمور) به قریب رفت و در آنجا مدتی با الغیبیگ همبازی بود (امیرخیزی، ۱۳۴۳: ۴۱).
- ۲- البته در کتاب تذکره دولتشاه و تاریخ ادبیات ایران در عصر تیموریان و مجله وحید شماره ۴۱ آمده است که شاهرخ فقط وعده ملک‌الشعرایی به شیخ داد. البته شرح ستیزه‌گری امثال خواجه عبدالقادر عودی و دیگران چنین می‌رساند که شیخ، مقام ملک‌الشعرایی را به دست آورده بود و همین مخالفان را آشفته کرد.
- ۳- دکتر ذبیح‌الله صفا در کتاب حماسه‌سرایی در ایران درباره نسخه‌های بهمن‌نامه شیخ آذری چنین می‌گوید: «یکی از نسخ بهمن‌نامه که در کتابخانه بریتیش میوزیوم مضبوط و کتابت آن مورخ است به تاریخ ربیع‌الاول سال ۸۰۰ هجری، منسوب است به حکیم آذری؛ البته بهمن‌نامه‌ای به نام حکیم آذری موجود است ولی غیر از این بهمن‌نامه است و راجع است به سلسله بهمنی هندوستان و ناظم آن شیخ آذری از شعرای قرن نهم است» (صفا، ۱۳۶۹: ۲۹۰). با این توضیحات ماجرای نسخه‌های خطی از بهمن‌نامه شیخ آشکار شد. بهمن‌نامه موجود در موزه بریتانیا منسوب به حکیم آذری است و سال ۸۰۰ نوشته شده است؛ یعنی دوران نوجوانی شیخ آذری و از این حکیم آذری هم که کتاب منسوب به اوست اطلاعی در منابع دیده نمی‌شود. همچنین دکتر صفا در تاریخ ادبیات در ایران جلد ۴ صفحه ۳۲۸ گفته‌اند که از بهمن‌نامه شیخ آذری نسخه‌هایی در دست است؛ ولی به محل نگهداری این نسخه‌ها اشاره‌ای نکرده و مأخذی نیز برای ذکر این جمله نیاورده است.
- ۴- برگرفته از گفتگوی نگارنده با استاد نجیب مایل هروی، نسخه‌شناس معاصر است.
- ۵- در اصطلاح نسخه‌نویسی به نخستین کلمه از نخستین سطر صفحه سمت چپ گفته می‌شود که در کناره سمت چپ و در زیر آخرین کلمه از آخرین سطر صفحه سمت راست نوشته شده باشد (مایل هروی، ۱۳۷۹: ۲۹۴).
- ۶- چرم ساغری: جلد‌های بسیار بادوام و مستحکمی که از چرم دباغی شده کفل چهارپایان به ویژه الاغ و استر ساخته می‌شد و برجستگی‌های دانه‌مانند به نسبت درشتی داشت (عظیمی، ۱۳۸۹: ۴۴).
- ۷- «از شیخ آذری تا محتشم کاشانی (جریان‌شناسی ترکیب‌بند عاشورایی در شعر فارسی و سرچشمه‌های آن)»، یوسف‌علی یوسف‌نژاد، مجله جستارهای ادبی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، شماره ۱ و ۲، زمستان ۹۳ و بهار ۹۴ (پیاپی ۲۵ و ۲۶)، صفحه ۸۵ تا ۱۰۵.

منابع

- ۱- آذری اسفراینی، علی بن حمزه (۷۸۴-۸۶۶). دیوان شعر (نسخه خطی)، نگهداری شده در کتابخانه سلطنتی کپنهاک دانمارک به شماره ۶۹۹.
- ۲- امیرخیزی، اسماعیل (۱۳۴۳). «آذری طوسی»، مجله وحید (ماهنامه)، سال اول، شماره ۷، ۴۰-۵۰.
- ۳- درایتی، مصطفی (۱۳۹۰). فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا)، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، تهران.
- ۴- دولت‌شاه سمرقندی (۱۳۸۲). تذکره الشعرا، تصحیح ادوارد براون، تهران: اساطیر.
- ۵- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۷۳). تاریخ ادبیات در ایران (۸ جلد)، تهران: فردوسی، چاپ پنجم.
- ۶- ----- (۱۳۶۹). حماسه‌سرایی در ایران، تهران: امیرکبیر، چاپ پنجم.
- ۷- صفری آق قلعه، علی (۱۳۹۰). نسخه‌شناخت، تهران: میراث مکتوب.
- ۸- عظیمی، حبیب‌الله (۱۳۸۹). اصول و مبانی نسخه‌شناسی در کتب خطی، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
- ۹- مایل هروی، نجیب (۱۳۷۹). تاریخ نسخه‌پردازی و تصحیح انتقادی نسخه‌های خطی، تهران: کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- ۱۰- منزوی، احمد (۱۳۵۰). فهرست نسخه‌های خطی فارسی، ۶ جلد، تهران: مؤسسه فرهنگی منطقه‌ای.
- ۱۱- نفیسی، سعید (۱۳۴۲). تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی تا پایان قرن دهم هجری، تهران: انتشارات کتابفروشی فروغی.
- ۱۲- هندوشاه، ملا محمدقاسم (بی‌تا). تاریخ فرشته، بی‌جا: چاپ سنگی.
- ۱۳- یزدی، شرف‌الدین علی (۱۳۸۸). ظفرنامه، ۲ جلد، تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران: کتابخانه و مرکز انتشارات مجلس شورای اسلامی.

۱۴- یوسف‌نژاد، یوسف‌علی (۱۳۸۹-۱۳۹۰) تصحیح دیوان شیخ آذری (پایان‌نامه دکتری)، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، استاد راهنما: دکتر سید علی محمد سجادی.